



دوره هشتم تقنینیه

جلسه ۱۱۹

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

۲۴ آذر ماه ۱۳۱۱ - ۱۶ شعبان ۱۳۵۱

قیمت اشتراك سالانه ۱۰۰۰ ریال
 خارجه ۱۲۰۰ ریال
 تك شماره : يك ریال

مطبعه مجلس

شماره مسلسل - ۵۳۴

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۲۴ آذر ماه ۱۳۱۱ * (۱۶ شعبان ۱۳۵۱)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) توضیحات آقای وزیر امور خارجه راجع به نامه امتیاز قط جنوب و بیات آلبان مؤید احمدی و عراقی در تأیید اقدام دولت.
- ۳) بیه شور لایحه تصدیق حساب مدیرین بانک
- ۴) تقدیم دوفتره عهد نامه بین دولتین ایران و ترک از طرف آقای وزیر امور خارجه و ایراز مسرت از بفرای ایشان در ترک
- ۵) تصویب دو فقره سرخصی
- ۶) تصویب لایحه امتیاز برای تکمیل میزوی
- ۷) موافق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس بکتابخانه بیستم آذر ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * * *

[۱ - تصویب صورت مجلس]

نمیش - در صورت مجاز نظری نیست؟ (خیر)

صورت مجلس تصویب شد. آقای وزیر امور خارجه فرمایشی دارد؟

[۲ - توضیحات آقای وزیر امور خارجه راجع به افتاء امتیاز لفظ جنوب و بیات آلبان مؤید احمدی و عراقی در تأیید اقدام دولت]

ولیر امور خارجه (آقای فروغی) - مسئله الفای

امتیاز داری در بدو امر در مجلس شورای ملی مطرح و مورد تصدیق مجلس واقع شده است از آن زمان تاکنون امر جریان پیدا کرده و مراسلاتی در این باب مبادله شده که چون بعضی از آنها را تلگرافات آژانس روبرو جراید خارجه و داخله منتشر کرده اند برای اینکه خاطر آلبان محترم از مطالب بدوستی آگاه باشد مناسب میدانم عین مراسلات را قرائت کنم و نظر دولت را با اطلاع آلبان محترم برسانم. در تاریخ یازدهم آذر از سفارت انگلیس

* * * عین مذاکرات مشروح بکمد و نوزدهمین جلسه از دوره هشتم تقویمیه (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

دایرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده:

غائبان ۱) اجازه - افغان استیانی - بنگادر - موفر - یاز ملی - آقا زاده سزواروی - حاج غلامحسین ملک فقیهین بی اجازه - افغان - هزار جریبی - ملک مدنی - نیوروش - حاج میرزا حسینخان فطری - میرزا سید مهدیخان قاضی - حاج محمد رضا بهبهانی - میرزا حسینخان قنار - دکتر امیر اعظم - قزوینی - میرزا صادقخان آکبر - مرتضی قلیخان بیات - باستانی - طباطبائی و کیلی دکتر شیخ - حاج حسین آقا مهدوی - چابقی - برزنجری - صفاری - میرزا محمد خان وکیل - چیشدی - دکتر نسک - ملک زاده آملی - احقلام زاده - عبدالحسین خان ویا - بیات ماکو - همرای - مژده - شریفی - شوالجوی - شریعت زاده - المان - حکمت - قوام در اندکمان بی اجازه - افغان: لیلوانی - عراقی - انظام زنکده - افغسی - مسعودی غرامانی - مسعود باغی - حبیبی خان تواب.

این مرالسہ وزارت امور خارجه رسيد :

دولت اعليحضرت پادشاه انگلستان در مملکت متحده انگليس از مندرجات مرالسہ که آقای وزیر ماليه در تاريخ ۶ آذر ۱۳۱۱ (۲۷ يواير) بمدير مقيم کيانی نطق انگليس و ايران تکليفه اند. اطلاع حاصل کرده اند. دولت اعليحضرت پادشاه انگلستان اقدام دولت ايران را درالهاي امتياز کيانی بک نقض غير قابل قبولی از مقررات امتياز مزبور دانسته و اقدام دولت ايران را در این باب با نهايت درجه اهميت تلقی مينمايد. و بدستدار دستور العمل داده اند که استرداد بلا تاامل اعلاميه صادره بکيمايبرا خواستار شوم .

۲ - بيلاره دستور العمل دارم اظهار کنم که دولت اعليحضرت پادشاه انگلستان هنوز اميدوارند که دولت ايران تحمل زحمت خواهند نمود که بوسيله مذاکرات مستقيم باکيانی قرار دوستانه در این باب بدهند . دولت اعليحضرت پادشاه انگلستان چنانچه لزوميتي پيش آيد تاامل نخواهند نمود که همه کړه افغانان مشروع برای حفظ مصالح حقاني و مسلم خود بمل آوردند .

۳ - بالاخره عموماً اشتهار ميدارم که دولت اعليحضرت پادشاه انگلستان هرگونه خسارتي که نسبت بمنافع کيانی وارزد آيد بامداخاه در مؤسسات با عمليات تجارتي آنها در ايران بشود تحمل نخواهند نمود .

این بود مرالسہ مورخه ۱۶ آذر که قرائت کردم .

بنده پس از آنکه مدلول این مرالسہ را باسنتخاب دولت رسانيدم در دوازدهم آذر به این مضمون به سفارت انگليس جواب نوشتم .

در جواب مرالسہ شريفه مورخه ۱۶ آذر ۱۳۱۱ بنمره ۵۸۹ عموماً زحمت افزا ميشود

۱ - دولت ايران خود را در الهای امتيازنامه دارسى ذمعي مبدان و با استرداد مرالسہ جناب مستطاب اجل آقای وزير ماليه به مسز چکس مدير کيانی غث جنوب مفسر بر الهای امتيازنامه موافقت ندارد دولت شاهنشاهی

ايران مستعد است که مگنی قبل از این بزنی حق بود که اقدام بالهای امتيازنامه مزبور بشمايد و از ديرزمانى عذران شرايط امتيازنامه دارسى را با منافع حقۀ ايران و عدم رضابت خود را نسبت باوضاح نشايه از امتيازنامه مزبور و عمليات کيانی انگليس و ايران مکرر خاطر نشان کرده است ولی بايندم اينکه کيانی مزبور برای اصلاح روشينى خود و استراضى خاطر دولت بر وفق مطلوب حاضرند و تحمل و بردبارى نموده بود .

۲ - بطوریکه وزارت ماليه در مرالسہ اعلام الهای امتياز نامه دارسى بکيماي انگليس و ايران اشتهار کرده است دولت ايران از مذاکره مستقيم باکيانی مزبور برای عقد امتياز نامه جديدى که حقوق و منافع ايران را منصفانه تأمین نمايد استسکنى نداشته است. بنا بر این حصول نتيجۀ مطلوبه در این موضوع بسته بحسن نيق است که کيانی در این باب ابراز نمايد .

۳ - در جواب فرقه مرسوله مرالسہ شريفه عموماً اشتهار ميدارد که دولت ايران خود را مسئول هيچ نوع خسارتي که به کيانی وارد آيد ندانسته و مساؤلت مربوط خسارت احتمالى بکيماي برعهده خود مؤسسه مزبور خواهد بود در هفدهم آذر مجدداً این مرالسہ از سفارت انگليس به بنده رسيد :

دولت اعليحضرت پادشاه انگلستان. در مملکت متحده انگليس مرالسہ جناب اشرف مورخه ۱۴ آذر که در جواب مرالسہ دستدار مورخه ۱۶ آذر مرقوم فرموده بودند راجع بود بالهای امتياز شرکت نفت انگليس و ايران از طرف دولت ايران مورد مطالعه قرار داده اند. اينکه عموماً خاطر جناب اشرف را مستحضر ميسازم که دولت اعليحضرت پادشاه انگلستان نمیتواند اعتبار بک الهای بکچايداره که از امتياز مزبور بمل آمده است تصديق نمايد بک چنين الهائی بک افدایى است که دارای جنبۀ توفيقى است و بک نقض سرحيى است از قانون بين المللى که بر عليه بک کيانی انگليس بمل آمده و دولت اعليحضرت پادشاه انگلستان

خوبتر ميچور مني بيند که این موضوع را برای اعمال حق خود در حفظ مصالح اتباع خویش مورد افشا برقرار دهند دولت اعليحضرت پادشاه انگلستان از اول رله چنانچه دستدار درصحن مرالسۀ خود مورخه ۱۶ آذر خاطر نشان نمود و بطوریکه دولتي رياست معاون وزارت امور خارجه انگلستان در تاريخ ۱۶ آذر در مجلس ميمونان انگليس مجدداً اظهار کرده مایل بوده اند که بک قرارداد دوستانه قبلاين دولت ايران و کيانی نطق انگليس و ايران داده شود لکن دولت اعليحضرت پادشاه انگلستان نديتوانند مرالسۀ مورخه ۱۲ آذر دولت ايران را بطوری محسوب وارند که زمينه رضابت بخشي برای بک چنين قرارى در آن پيشنهاد شده باشد چنانچه دستدار در تاريخ ۱۶ آذر توضیح داده ام دولت اعليحضرت پادشاه انگلستان اقدام دولت ايران را در الهای امتياز بک نقض غير قابل قبولی از مقررات سند مزبور محسوب مينمايد و بنا بر این استرداد اعلاميه را که در تاريخ ۶ آذر بکيماي ابلاغ شده است تلقفا نونند نظر باینکه دولت ايران در طی جواب خود بچپوچه دليل اظهار نيمدارد که بیک نحوی مجوز اقدام آنها بوده باشد دولت اعليحضرت پادشاه انگلستان بايستي تخفياي خود را تکرار نمايند .

۲ - چنانچه دولت ايران حاضر نيابند اعلاميه خود را در الهای امتياز در ظرف بک هفته از تاريخ آن رسيد بک تا روز پنجشنبه ۲۴ آذر مسترد دارند دولت اعليحضرت پادشاه انگلستان چاره نخواهند داشت جز اين که موضوع مذاجره را که بين خود دولت ايران درياب شروع برون اقدام دولت ايران پيش آمده باقيد فوريت و در تحت Optional clause بد يوان دائمي داوری بين المللى لاهه مراجعه کنند در موقع اقدام باين امر دولت اعليحضرت پادشاه انگلستان از بکجه مزبور تقاضا خواهند نمود که بر طبق ماده ۱۴ اساسنامه اقدامات موثقي را که برای حفظ حقوق خود بايد اتخاذ بشايد تعيين کنند

۳ - علاوه بر این دستور العمل دارم اشعار نمايم که

دولت دستدار رويه مذکوره در جلۀ سوم مرالسۀ جناب اشرف را دائر باين دولت ايران نديتوانند خود را مسئول خسارتي که بضرکت وارد ميشود بديانند نمی پذيرند بکالمس عموماً خاطر جناب اشرف را مؤکداً مستحضر ميسازم که دولت اعليحضرت پادشاه انگلستان دولت ايران را مستقيماً مسئول خسارتي که نسبت بمنافع بکيماي وارزد آيد و همچنين مداخله که در امور مؤسسات با عمليات تجارتي آنها در ايران بشود و با تصور در دادن حابيت کافی بکيماي ميدانند در صورت حدوث هرگونه خسارت دولت اعليحضرت پادشاه انگلستان خود را محق خواهند دانست که هرگونه اقداماتى را که روشيتی برای حفظ کيماي ايجاب نمايد بمل آوردند .

موقع را مفتن شمرده احترامات قائله خود در اتجديد مينمايم .

بمده بنده در ۲۰ آذر (بکتنبه) از طرف دولت چوايى باين مرالسہ داده ام که عيناً برای اطلاع آقایان محترم قرائت ميکنم

آقای وزير مختار

در جواب مرالسہ آن جناب مورخه ۱۲ آذر (۸ دسامبر) بنمره ۶۰۴ که در جواب مرالسۀ دستدار مورخه ۱۲ آذر مرقوم رفته است عموماً زحمت افزا ميشود

۱ - جلۀ اول مرالسہ شريفه منتهي ميشود باين که اولياي دولت ايران دليلی که مجوز اقدام ايشان برای الهای امتياز نامه دارسى باشد بياورده اند و بنا بر این دولت پادشاهی انگلستان بايد تقاضای خود را در استرداد الهای مزبور تکرار نمايد .

در جواب جلۀ مزبور زحمت مديهم که دولت ايران دلايل عدم رضابت خود را از وقتار کيانی نطق مکرر خاطر نشان نموده و تصور نمیکرد که تکرار مکرر محل احتياج باشد و دولت ايران در صورتیکه موفق شود باکيانی قرارداد رضابت بخشي جديدی منعقد نمايد و برای اثبات حقيقت خود در قبض امتيازنامه دارسى محتاج برامجه بکجه خود درد دلايل خود را مشروحاً بيان خواهد نمود و چي تأسف است که بی ميل اولياء دولت شاهنشاهی بياورديند

بسیاحت و مناقشه نظر بحسن نیلی که در این کار داشته اند (و این قتره موجب شد که دوستدار در مرسله خود بشرح و بسط علل اقدام دولت در الفای امتیاز نامه داری برداشتم) در نظر اولیاء دولت انگلستان چنین جلوه گر شده است که دولت ایران مجوزی بر صحت اقدام خود ندارد حالیه نیز برای این که دولت پادشاهی انگلستان تصور نکند دولت شاهنشاهی ایران استنکافی از ذکر دلایل الفای امتیاز دارد دوستدار بذکر اجالی از آن میبردازد علاوه بر این که امتیاز نامه داری فی حد ذاته موافق مصالح مملکت ایران ترتیب داده نشده و حقوق مملکت در موقع اعطای آن ایماحل گردیده این امتیاز نامه در زمانی تحصیل شده است که بدینسان در موقع اعطای اینگونه امتیازات ملاحظه صرفه و مصلحت مملکت نمیشده و یکریگانه امتیازات از بی اطلاعاتی مصادر امور آژمان سوء استفاده می نمودند بعلاوه در تحصیل امتیازات در آژمان همه نوع وسائل تهدید و تضییق اعمال میشد . بطوریکه در نتیجه تهدیدات و تضییقات مزبور اعطاء کننده امتیاز آزادی نداشت که از دادن این گونه امتیازات خودداری نماید . خود آنچنان بدولت پادشاهی انگلیس تصدیق خواهند نمود که دنیای امروز اقتضای برابری قرار دادها و امتیازاتی که باین نحو تحصیل نمیشد باشد قائل نشده و آنها را الزام آور نمیشمارد .

قطع نظر از معایب فوق رفتار و عملیات کیانی فقط با دولت ایران بر همان امتیاز نامه غیر مرضیه نیز منطبق بوده و کیانی همواره از رعایت حقوق دولت ایران بر طبق همان امتیاز نامه بدو غیر معتبر هم تصور کرده و موجبات تضییق حقوق دولت ایران را فراهم نموده است مثلا مطابق امتیاز نامه داری کیانی بایستی از تمام عواید خود و کیانیهای فرعی بدون استثناء سده ۱۶ بدولت ایران نأدیه نماید نتیجه منطقی این نمود کیانی این است که دولت ایران باید حق نظارت در مصارفی که قبل از رسیدن بحدایدت خلاص از عواید کیانی کسر میشود و

همچنین حق اعمال نظر در لزوم وعدم لزوم خارج مزبور داشته باشد و الا عواید مملکت ایران همواره در معرض خطر و کسر و نقصان واقع میگردد متأسفانه کیانی غت که در اسراف و تبذیر مشغول بوده است هیچوقت راضی نشده است که دولت ایران حق نظارت در مصارف کیانی را قبل از نأدیه حق الا بتیاز داشته باشد حاجت بذکر نیست که اغلب خارج بیوردی که از طرف کیانی بصل میآید تأثیر کامل در حق الا امتیاز داشته و عواید مزبور را بحد منحصکی تقابل میداد

بعلاوه کیانی هیچوقت تا بحال حسابهای جزء و استاذ مثبتة خارج خود و تمام حسابهای فرعی خود را بدولت ایران یا بمجلس نأدیه او ارائه نداده است تا دولت ایران اطمنیان حاصل کند که عواید حقیقی خود میرسد همچنین کیانی تا بحال بر خلاف نص امتیاز نامه از دادن سهم دولت ایران از عواید تمام کیانیهای فرعی خود استنکاف نموده و حتی برای بعضی از کیانیهای مزبور تک های مالی مهین را از عواید خود قائل شده و بجزر منظور نموده است و باینطبق نیز از عواید دولت ایران بطرز مؤثری کاسته است و بالتلیتجه کیانی مخالفت خود را با مقررات امتیاز نامه ثابت و بر دولت ایران خسارت مهم وارد نموده است اگر دوستدار بخوام موارد عدیده عدم مصیبت کیانی را در معاملات با دولت ایران ذکر نمایم خیل مفصل خواهد شد و اگر آن جناب بامسناد و ابرتر حالی که از طرف منضمین مختلف انگلیسی طبع شده است مراجعه بفرمائید ذهن آن جناب در باب رفتار کیانی در موارد مختلفه که لعله بمنافع ایران وارد میشود است روشن خواهد شد یکی از شواهد عدم مراعات امتیاز نامه داری از طرف کیانی غت جنوب این است که با وجود اینکه در مدت جنگ بین الدالی قیمت نغظ و مواد نغظی و احتیاج بآن دائماً در تزیاد بود و نغظ ایران در بحریة مؤلفین عامل مؤثری شمرده میشد و بالتلیتجه فروش نغظ ایران بحدت دنیایی نغظ منلزم منافع هنگفتی برای کیانی بود مملکت

کیانی برخلاف نص امتیاز نامه از نأدیه حق دولت ایران خودداری نموده و عملاً امتیاز نامه مزبور را بی اعتبار ساخت و اگر چه دولت ایران مکرر در صدد استیفای حق خود و نفیحه محاسبات گذشته بر آمد متأسفانه اقدامات دولت منجر به نتیجه که مورد تصدیق دولت ایران باشد نگردید همچنین البته بر آن جناب مخفی نیست که مطابق امتیاز نامه داری کیانی باستانی موارد مہیبه ممانعت کردگی دارای هیچگونه ممانعتی از مالکیات مملکتی بوده و در همان حال محکوم قوانین داخل ایران میباشد و با وجود اینکه از سنه ۱۳۰۹ مالیات بر عایدات در ایران برقرار گردیده و با این که کیانی مکلف به اطاعت از قوانین مملکت تا مبادی مملکت تا بحال از نأدیه مالیات خود قاری نموده و بی اعتنائی خود را نسبت بقوانین مملکت ظاهر ساخته است .

بقینا آن جناب محتاج نخواهند بود که دوستدار ترسمه و بسط امروزه کیانی را تذکر بدهم و دارائی آن را نشریح نمایم این نکته مسلم است که تمام دارائی مزبور از منافع ثروتمی ایران تأسیس شده است با وجود این اگر عایدات دولت ایران را از باب نغظ با عواید کیانی مقایسه نمائیم مبین خواهد گردید تا چه اندازه مملکت ایران از این معامله مقیور گردیده است و بوجه نوعی غرر عادلانه عواید مملکت شاهنشاهی در معرض تفریط واقع شده و چگونه با ثروت حاصله در ایران کیانی نغظ فللاد در نغظ دیگر عالم مشغول کار شده و از اینجهت نیز آیه نغظ ایران را تهدید مینماید .

باوجود اینکه کیانی از منافع نغظ ایران استفاده کلی میکند و ملت ایران حفاً متوقع بود که نغظی را که برای حوائج صنایع و حمل و نقل لازم دارد بقریبت مناسی تحصیل نماید معهذا نغظ و مواد مستخرج از آن در این مملکت و حتی در نقاط عمل استخراج از طرف کیانی بقیمتهائی بیفروشی میرسد که از قیمت سایر ممالک گرانتر است و با اینواسطه حوائج صنایع ایران دچار عسرت میباشد .

۱ - اگر بخوایم نمونه دیگری از بی اعتنائی کیانی نسبت بمنافع ایران ذکر کنیم کیانی حق استخراج نغظ را مطابق امتیاز نامه داری کیانی حفاً ایماحل دارا بود و وجود یون نغظ هم در تمام ایران عمل شبهه نیست و خود داشتن حق مزبور کیانی را ملزم با استفاده از آن نمیدود معذک که کیانی در عوض اینکه تمام فعالیت خود را در ابرایش تمرکز داده و بواسطه تکثیر بهره برداری خود بدولت ایران بزم منافع بیشتری عاید دارد از یکطرف بهره برداری خود را در ایران محدود کرده و از طرف دیگر در خارج از ایران همواره بر درازة عملیات خود می افزاید .

۲ - باتمام تغلفات مذکور فوق مملکت دولت ایران مکرر در صدد برآمد که روابط خود را با کیانی را روی اساس نغظ و مزرعه گذاری کرده و بشما این اختلافات خودی دهد ولی متأسفانه تمام مجاهدات دولت ایران به نتیجه عملی منجر نگردید حتی در تابستان گذشته دولت ایران ابراز میل نمود که کیانی نماینده خود را بپهران بفرستد تا اینکه در اینجا قرار قطعی داده شود ولی کیانی بمنظر بجران عمومی از فرستادن نماینده اختیار دار خود استنکاف ورزید .

۳ - پس با این نوع رفتاری که کیانی با دولت ایران نموده که از یک طرف از اداه حقوق دولت سربچی کرده و از طرف دیگر برای اصلاح اساس امتیاز نامه حسن نیتی بروز نداده است اولیاء دولت پادشاهی انگلستان چگونه اقدام نمودند ایران را بی مجوزی شمرده و خود را در وارد نمودن تضییقات بدولت ایران ذبحی مینماید .

۴ - نظر بمراتب فوق چنانکه دوستدار در مرسله سابق خود اشاره کرده بودم دولت ایران خود را در الفای امتیاز نامه داری ذغنی داشته و موردی برای استرداد الفای آن نمی بیند این نکته را نیز دوستدار خاطر نشان مینماید که دولت شاهنشاهی ایران همواره تعهدات بین المللی خود را با تمام شمرده و دائماً سعی نموده است که

عملیات خود را بمنبر بر حقانیت و عدالت نماید ولی در همان حال بپیوسته نمی تواند مشاهده کند که حقوق مسلمه دولت ایران مورد احترام و مراعات واقع نشده و منافع مملکت در معرض تفریط واقع کرده و چون امیدوار است در عصر حاضر در دنیا کوشش ثنوا برای حرف حساب و حق موجود میباشد لهذا از عرضه داشتن مشکلات خود و بجاوردانی که به حقوق مملکت ایران میشود بتمامی کم المالی فی صلاحیت اشتغال نداشتند و همیشه حاضر بوده است در این مورد هم که آن جناب بنام دولت متبوعه خود و بابتیار ماده ۳۶ اساسنامه دیوان دالمی داری امرجاهه به محکمه مزبوروا خاطر نشان میفرماید وظایف خود میباشد که بوجه آن جناب را باین نکته جلب کنی که اگر مقررات ماده مزبور رسیدگی باین گونه امور را در ضمن صلاحیت دیوان داری مشخص کرده بود البته دولت ایران از قبول مراجعه به محکمه مزبور تأمل نمیکرد ولی چنین بنظر میرسد که در اختلافی که بین دولت ایران و گپایی حاصل شده است محکمه دالمی داری صلاحیت رسیدگی را نداشته باشد زیرا که ماده ۳۶ اساسنامه مزبور در مواردی که بابتیار Clause facultative باید بدیوان مزبور مراجعه شود صلاحیت محکمه را بنحوی تشخیص داده است که تطبیق بر این مورد نمیکند

۳ - در جلسه سوم رساله شریفه آن جناب تکرار میفرماید که دولت ایران را مسئول خسارتان وارده بکمیابی میدانم

اولیای دولت ایران ملتقت نمیشوند که در صورتیکه از یک طرف هیچ نوع شرکعی در عملیات کمیابی ندارند و از طرف دیگر هیچ نوع مزاحمت و مداخله در کارهای کمیابی بکرده نمی کنند چگونه مسؤولیتی بر دولت ایران وارد خواهد بود.

پس بملاحظاتی فوق است که دوستدار نیز مکرواً زحمت افزا میشود که اگر خسارتی به کمیابی وارد آید مسئول آن خود گپایی میباشد.

صکه باید در میان دولت دوست و اعضای جامعه عالم سکیرما باشد منافی دالسته خوروا ذمعی میداند صکه نهیدات و تنبیهاتی را که منوجه دولت ایران شده است بمطالع شورای جامعه ملل برساند.

موقع بر برای تجدید احترامات فائمه مقنن میسهارد جریان امر تاکنون از ابتکار بوده است خاطر محرم آقایان بهیوی سبوق است و از همین مراسلای هم که فرات شد ظاهر میشود که الفاء امتیازنامه داری از طرف دولت ایران بجه جهت واقع شد بطور خلاصه دولت داشت یکی اینکه اساسا از امتیازنامه داری ناراضی بودیم بواسطه اینکه با منافع حقه ما توافق نداشت (مانند بانک - صحیح است) دیگر اینکه گپایی نعت از مواد همان امتیازنامه هم تخلف میکرد (صحیح است) برای دولت ضرر اندر مشر میشد بالاخره دولت ایران بر این عقیده شد که مادام که امتیازنامه داری را معتبر میشناسد موفق باصول این وضعیت نمیشود این بود که اقدام بافاده آن کرد ولی مضمومی نداشت زیرا که روابط خود را با گپایی انگلیس و ایران بر روی اساس صحیحی که منافع طرفین و امتیازنامه این نمایندگان دو بهمین ملاحظه در امرالاه که آقای وزیر عالیته بنامند کمیابی مزبور مشر بر الفاء امتیازنامه داری نوشته خاطر نشان کرده که دولت حاضر است با گپایی داخل مذاکره برای عقد امتیازنامه جدیدی بشود و امیدواری داشتیم که بالاخره کمیابی برای استراضی خاطر دولت و ملت ایران حاضر شود متأسفانه این انتظار باهنوز بوقوع نرسیده و مداخله دولت انگلیس و مراسلات مشابه که برای آقایان قرائت کردم مانع شده است از اینکه دولت ایران بتواند با گپایی داخل مذاکره شده قرار رضایت بخشی در کار بدهد یک امر مهم مشاهده میشود که مایه مزید تأسف است و آن الفاء شهبانی است که در جرائد انگلیس و سایر ممالک خارجه در افکار عامه شده محل دولت ایران و قول و فعل او را بر خلاف حقیقت جلوه میدهد یعنی میخوانند این عمل را در تحت تأثیرات

دیگر قلمداد کنند جماعتی دولت ایران را دارای ابتکار شد خارجه و الفاء امتیازنامه داری را ناشی از آفت افکار میخوانند بعضی دیگر از اشتغال اما کنی که مؤسسات نفت در آنجا هست و مزاحمت نسبت بانها محبت میکنند و بانسواطه افکار را مشوب با بریشان میبازند و حال آنکه همه کس میداند که در این دوره و این اید و بکلیه ممالک ایران خاصه در واحی که مؤسسات نفت آنجا هست آسایش و امنیت کاملاً برقرار است (عموم نمایندگن صحیح است) نسبت بخارجیان هم کسی شدیدت مزاحمتی ندارد دولت ایرانهم مداخله و تعرضی نسبت به مؤسسات نفت و دولتی السانی مؤسسات مزبور را معمول حایت خود نمیزد بلکه احتیاطاً بر مراقب و مواظبت خود افزوده و بنسبت است که خسارتی در مداخله ایران بکمیابی و مؤسسات آن وارد نخواهد آمد مگر کسی صرفه خود را در این بداند که عمداً بکمیابی خسارت وارد آید بالاخره مقصود واحد دولت ایران حفظ حقوق و منافع خود میباشد دولت ایران میگوید این نعت و مواد مشفق آن که در ایران بدست می آید ملک و مال ملت ایران است (عموم نمایندگن صحیح است) و باید باین نعت بجه مکه مناسب است استحقاق آن حق مالکیت اوست برسد (صحیح است) آنچه تاکنون باو میسر شده قبول نیست و قبول آن اسباب بدنامی است و اگر روزی بوده است که ایرانیها یا اولیای آنها غافل یا فاسد بوده و این منبع منعی را موضوع یک معامله غبن آمیزی کرده و در حدود همان معامله هم اسباب نامن حقوق مملکت در فراهم نکرده اند دلیل نمیشود که امروز که چشمه باز شده هفت طریقه و رویه دوام داشته باشد البته کاتبیکه - سرمایه مالی و فن خود را برای این منبع ثروت بکار برده اند باید استفاده عادلانه خود را از آن بکنند اما منق که این ثروت متعلق باوست اصناف لیست که معروف و مقبول میباشد (صحیح است - صحیح است) این است حرف جانی ما که مکرر گفته نوشته ام و باز خواهیم گفت باوقتی که حق بحق دار برسد (صحیح است - صحیح است) از

این گذشته دولت ایران به نسبت بدولت انگلیس سوهتیب دارد نه نسبت بکمپانی عداوتی و نه با هیچ يك از خارجیان شدت و مخالفتی خود را مینماید و بس (صبحیح است - صبحیح است) و بهر وجه و طریق هم باشد دست از استیضای حق خود نمیکشد (صبحیح است) امیدوارم از این بیانات مطلب ما کاملاً روشن و شفافیتی که در آنهان وارد شده مرتفع شود (احسن - احسن)

رئیس - آقای مویذ احمدی بنده اولاً بمشرواح مبین احسان اهالی ایران و مجلس شورای ملی ایران بایشم و حقیقه از اقدامات مثبت دولت فتنه کنر کم و ده بنظور که ملاحظه میفرمائید علاوه بر نگرانی که از عدم ایالت و ولایات بلکه بکولت و قصبات و دهات بمرکز میرسد و از این اقدام دولت فتنه کنر میکند کافه های زیادی هم هست که با بست نگلیه ولایات بهر یک از آقایان و کلاهم رسیده است البته اینها را ما ملاحظه فرموده اید کم و بهجت و سرور و عامه مردم از این اقدام دولت پیدا شده است که واقفاً بنده که در این انقلاب این چند سال داخل بوده ام کز نظیر این اقدام را دیده ام اوران مطبوعه که از کرمان با این پست برای بنده فرستاده بودند حاکی بود که در همین چند گذشته تقریباً س هزار نفر جمعیت در میدان ارک کرمان مشغول برز احساسات بوده اند و بهمان هیئت اجتماع به بلگر افغانه آمده و به هیئت دولت تشکر عرض کرده اند . لیکن در موضوعاتی که بنده در نظر داشتم عراضی عرض کنم اگر چه جواب آقای وزیر امور خارجه بدولت انگلستان کافی و دارای یک جنبه های حقوقی بوده است لیکن بنده هم لازم دانستم بدینی عرض کنم : و حقیقه با کمال تأسف این مطلب را لازم دانستم عرض کنم که هیچ تصور نمیشد که وقتی دولت ایران یعنی وزارت مالیه مرالسله بکمپانی نظم جنوب مینویسد و با یک کمپانی که امتیازی داشته است طرف مکاتبه و مذاکره میشود دولت انگلستان دخالتی در این موضوع بکند و واقفاً اسباب فائز و تأسف است

حقوقی و قضائی کل دنیا در کلیه معاملات و در کلیه قراردادها و در کلیه تعهدات یک طرفه وجود دارد که همه ممالک آنها را پذیرفته اند و هر یک از این ارکان در هر معامله و قراردادی منترزل بشود این قرار داد و آن معامله باطل و بی اثر است و هیچ حکمه و قتیبه یکی از این ارکان منترزل بشود نمیتوان حکم بصحت آن معامله بدهد مثلاً یکی از ارکان اساسی هر معامله و تمهیدی آزادی طرفین متعاملین است و هرگاه یکی از طرفین متعاملین در آن معامله خودشان مجبور باشند آن معامله باطل است و بنده البته اینجا میخواهم داخل در این موضوع بشوم که در دوره های سابق این قبیل امتیازات با این قبیل قراردادها روی چه فشارها و چه تشییقاتی از طرف همه دولست بدولت ایران محمول شده است و اگر بتاریخ رجوع فرمائید همین تاریخ اخیر یعنی از ۱۳۱۹ قمری تا بروز دولت بهلوی در این چندسال چه ماهدات و چه قرار دادهایی (که همه بمحمدالله الفاضل) بسته شده بود هر يك از آنها یک تاریخ دارد که آنها در نعت چه منقبه ها و چه فشارهایی این نوتجارتها از دولت ایران میکردند پس بمنظور که در مرالسله آقای وزیر امور خارجه اشاره شده است که این قراردادها بچه شکل گرفته میشد دیگر بنده بیش از این نمیخواهم در این موضوع توضیح بدهم که از تراکت خارج شود که در نعت چه منقبه هائی این قرار دادها را میکنندند و اولیای دولت آئوتق هم با آن ضمه که مخصوصاً در اواخر سلطنت مظفر الدین شاه پیدا شده بود این جور کارها میکردند و این جور فرامین را میکردند و چون حقیقه دولت ایران در این معامله آزاد نبوده و مجبور بوده است از این جهت نمیتوان این قرار داد را صحیح دانست .

یکی دیگر اینکه این هم يك قاعده است در علم حقوق که متعاملین باید عالم بموضوع معامله باشند اگر جاهل بموضوع معامله باشد آن معامله باطل است و بنده عرض میکنم که همان حق قرار داد داری را اگر کسی بدقت

مطالعه بکند بمیاند که اولیای وقت ابتدا ملتفت نشده اند که چه داده اند و چه امتیاز کرده اند بکلی بر آنها مجهول بوده است و مخصوصاً درک دوسیه در وزارت مالیه دیدم که در همان وقت که این قرارداد بنا بود بسته شود وزیر مالیه کافه می نویسد : وزارت امور خارجه و بعد اعظم وقت که اینجا در هزار تومان مالیات جزو جمعی دارد حالا که این امتیاز را میدهد این دوزخار تومان از بین می رود تکلیف چیست . این بود که قرارداد باطل است گفتند که این دوزخار تومان مالیات جزو جمعی را چنان بدهد و اصلاً نمیدانستند که موضوع چیست و چون چنان بموضوع داشته اند بدینی است که هر معامله که متعاملین آن جاهل بموضوع باشند آن معامله باطل است . دلیل سوم بنده بر این موضوع اصلاً صدور این قبیل فرامین است و بنده میخواهم بجزه شرح بدهم که در آن تاریخ چه جور فرامینی صادر شده فقط برای ندوه اشاره بدوسه فقره میکنم که در ۱۳۱۸ صادر شده یکی فرمان فسر فسر بود که در کت لشد (دشق - فرمان فسر فسر چه بود ؟) حالا بنده میخواهم توضیح بدهم این موضوع را خوب نیست (صبحیح است) یکی دیگر فرامینی بود از مظفر الدین صادر شد که تمام بنادر و سرحدات را انتقال داده بود بیک اشخاصی که اداره کرک آئوتق مرالسله مینویسد . وزارت مالیه وقت که آقا که بنا بر فروختند دیگر کرک لازم نیست چون آئوتق کرک سرحدی دائر شده بود . بالاخره مرحوم عین الدوله ملغوف فرمائی از ایشان صادر کرد که آن ملغوف فرمان الان در وزارت مالیه موجود است که خطاب کرده است به عین الدوله که کلیه این فرامین را ملغی کند . یکی دیگر در ۱۳۱۹ شخص بلژیکی آمده بود است و بطرفش و جنبه فتنه گری آورده بوده است که صدا را هم ضبط میکرد و هم پس میداد بالاخره معلوم است يك شب در دربار این فتنه گار برده است و صحبت هائی که کرده بودند بعد پس داد و البته در آئوتق این يك چیز تعجب آوری بود است و روی همین

تصمیم بود. همه است که فرمانی صادر شد و فرمان را هم آن بلژیکی کارور کرد که الان سمت نهره از آن دروزارت مالبه موجود است که در اولش این است که چون نظر کمیابتر از بر آسایش عباد و آرامش بلاد و آبادی مملکت و فلان است ما ریاست داد الاموات دولتی را دادیم. ما در بلژیکی و امتیاز این موضوع را هم دادیم بایشان که در کل شهرهای ایران ایشان شنبه باز کنند و از این ها وارد کنند و بفرزوند حالا نمیدانم بچه نظر آن بلژیکی فرمان را داده بود. کارور کرده بودند و آهم که عرض کردم که شصت کارور آن در وزارت مالبه موجود است. عیلتش این بود که بعضی ها یک سوء استفاده هائی از آن کرده بودند آن عبادت بالینش را برانده بودند و باقیش را اگر نقتسه بودند و انتقام لایسی از امسالک دولتی نوشته بودند. و الان در وزارت مالبه این فرامین موجود است که بوجه و مهر ایشان است و آن سه چهار سال را با هم. باقی گذاشته اند باقیش را هم عمو کرده اند عرض این است که در آن دوره اینطور فرامین تقریباً روی این جور چیزها غالباً صادر میشده لکن امروز که دولت ایران تمام ممالعدهائی که با دول سابق داشته با همه دول متعاقب داشته در همه تجدید نظر کرده و همه را تغییر داده اند. فقط همین این یکی مانده بود و البته نباید کمیابش نفت جنوب متوقف باشد که ملت ایران و دولت ایران سالهای سال بنفینتند و همان عملیاتی که در آن دوره کرده اند و این امتیاز را گرفته اند حالا هم عرض کنم بیاینده و پانصد بکنی فرمان باشند و اطاعت کنند یکی دیگر عرض کنم خدمت شما که این ممالعده غریب بوده است و در کلیه معاملات هم حقیقه این موضوع یکی از اده مینظره معامله است که غرر در آن باشد و اگر رجوع بفرمائید بعضی معاهد عرض میکنم آنجا غرر دولت خوب فهمیده میشود. آنجا صورت میشود کرد که تمام معادن تحت الارض بلکه مملکت روسیه مثل ایران که براسات از غنط باستانتهای پنج ایالت بیک کمیابی داده شود و اصلحق حق تقزیش و نظر

که روسیه میبیند مثل همین است (خوب چه شده است که حقوق اینها تقزیر کم شده است درحالی که باک بازمینت اشتراکیت نفت بود از ۱۹۳۱ پیش از ۱۹۳۰ است که اگر بگویند قیمت تنزل کرده حاصل زیاد برود. بیکایون این حاصل ۱۹۳۱ پیش از ۱۹۳۰ بوده چه شد که باک بیکایون ابره حقوق مارشک حقیقه کوبا آفری رهنما با آگاهی مدنی در نطق ساقیان یک عبارتی فرمودند که به بنده اثر کرده. و آن این بود که شاید یک نظر سیاسی در این بود که دولت دارای اسامه خارجی برای خرید بعضی اشیاء لازمه بشود الا اینچی چه چه جهت دارد اینچور بما بدهند و هیچ حق کنترلی هم نداشته باشیم این مسائل بدولت ایران حق داد که این قرار داد را القاء کرده لکن بنده باز هم تذکر میدهم که ما هیچ نظر سوئی بدولت انگلیس و کبابی نداریم فقط حقوق حق خودمان را ممالعده میکنیم و بنای دیگر بازار شروطی که کبابی نفس کرده بوده و دولت ایران حق داشت اینکار را بکند این بود که قوانین ایران را اطاعت نمیکرد (صحیح است) در حالیکه مالیات بریاعدات از مجلس شورای ملی گذشته است کمیابی نفت جنوب مالیات بریاعدات بما نداد و اطاعت از قوانین ایران نکرد بوسمان شروط و قیودی که در خود آن افراد بود بوسمان هم عمل میکرد. اینها مجبور کرد دولت ایران را که این اقدام را کرد. و بنده میگویم میخواهم یک نکته دیگر عرض کنم و شانه از افسر تصور میکنم بیوز از همه باین موضوعی که عرض میکنم سابقه داشته باشند و آن این است که همه آذوقیان البته میدانند در اوایل مشروطه از ۱۳۲۴ با بنظر عرف که ملت ایران آن او شاع خراب دزباز را دیدند که بالاخره آن اقدامات را کردند که دولت ایران مشروطه شد از اول مشروطه هر دهنه هر حزب هر چه بودی که در ایران تشکیل شد یکی از مواد بر او شاع و اویدالتی بر داشتند امتیاز غنط جنوب بود (صحیح است) که بنده چایش را دارم چاپ شده در مراستله ها و در دستور هائی که جمیع ها اتخاذ نمیکردند از همان وقت این موضوع بود غنطی چیز هوا بود الهی

کاپنواویون بود و چه بود و چه بود یکی هم الهی امتیاز داری بود که همه این را ببخوایند و دولت و بدهم که دولت ایران مشروطه شد بوجوب اصل ۴۴ قانون اساسی هیچ امتیازی صحیح نیست مگر اینکه مجلس شورای ملی ایران آن امتیاز را تصویب کرده باشد و بنده اینجا فریاد بلند عرض میکنم : مجلس شورای ملی ایران علاوه از اینکه این امتیاز را هیچگاه تصویب نکرده است در دو جلسه قبل هم رسماً الهی دولت را پذیرفته است (صحیح است) و عموماً یک نکته دیگر بخواستم عرض کنم که یک چیزی بادم آمد لکن باز هم اشاره میکنم حالا بادم نیست درست کوبا دوره چهارم با پنجم بود که بر حسب تفهیمات کبابی یک نفر در مجلس شورای ملی در سوالی از خارج کردت که راجع باینکه بعضی اشیاء را از سر حد خارج میکنند بدون اینکه کمرش وارد دولت ایران بدهند نباید تعقیب کردی در مجلس تصویب شود بلکه چه چیزی بود و بالاخره خاطر است که بالاخره آقایی مستوفی المملک رئیس الوزراء بودند و بنده شب خدمتشان رفتم جمعیت زیادی از آزادی خواهان و اشخاص با فکر آنجا حاضر بودند و مذاکره شد عرض این است که مجلس شورای ملی راجع باینکه یک حرفی زده باشد شما تکذیب این کار را این بود که مرحوم مستوفی المملک مخصوصاً این اقدامات نکرد و چالو کردی کرد هیچگاه مجلس شورای ملی ایران این قرار داد را که همه ملت ایران الهی آن را ببخوایند تصدیق نکرده است و از این جهت بنده هم عرض میکنم منتها این نکته هم در آخر بذهن من آمد که عرض میکنم ما در طول مدت مشروطه ایران از ۱۳۲۴ که دولت ایران مشروطه شد حقیقه مشروطه ما مطلق بود که متولد شدو یک مطلق بود که در ۱۳۲۴ تولد شد و مطابق قوانین میبود با ناجیکاری عالیجنابنتر همایونی که آذوقه وقت بلوغ مشروطه ایران بود که اعطی حضرت همایونی ناچالو کردی کردند و امروز از یک ملت مشروطه باقی را نبیندو تطبیق کرد با

آن دوره که آطور فرامین صادر میکردند که دارالاسرار
نوبه اش باشد منتها حالا هفت سال است از ناکجاکاری
اعلیحضرت میکزد و البته تمام قرار داد عالی که با دولت
خارج داشتند درست شد و این یکی هم افتد و باقیافتاد
دولت کاملاً برقع ایران واستفاد حقوق ایران خواهد شد
(صحیح است) يك كاه باقی افسر عرض میکند که
ه ۹ داری ۹ پیوسته ۱۳۱۱

اخر - صحیح است
پولیس - آقای عراقی

عراقی - اگر چه آقای وزیر امور خارجه در مراسلاتی
که با سفارت انگلیس رد و بدل شده کاملاً حقوقی را
ک داشته اند برای الهه این امتیاز بیان کرده اند و آن
طوریکه تصور شده که حق نداشته اند الهه کاند امتیاز
را کاملاً در مراسلات خوب بیان شده است که حقوقی
داشته اند و جای الهه هم بوده. علاوه بر آن مراد الهه
حقوق اسلامی را هم که آقای مؤید احمدی ذکر کردند
از غبن و غرر و فلان و اینها که ایشان همه را وان
کردند که ماحق داشتند (احتشام زاده - حقوق عمومی)
حقوق اسلامی هست متعلق بر حقوق عمومی است
(صحیح است) علاوه بر همه اینها که ذکر شد باید گفت
فهمی را که منتظر بودم آقای مؤید احمدی بیان کنند و
نکردند آن قسمت را بده عرض میکنم: کلبانی را
دولت انگلیس برای حفظ منافع از وی نویسد که الهه
این امتیاز غیر قابل قبول است اما از آطر حساب
نیکبختی که امتیاز را که الهه آن غیر قابل قبول است
برای حفظ منافع تصورشان این حساب را نیکبختی که
امتیاز را که مایه بدبختی و منافی است که در ملک ما
هست و آنها یعنی کلبانی میخواهند از حق استفاده کرد
برای ما آن منافع اهمیت ندارد که الهه که میخواهند
بکنیم بگویند الفانسان غیر قابل قبول است در صورتیکه
اصل منافع و منبع عایدات آنها فقط آنچه که بدمیدام
همانطور که در مراسلات وزارت امور خارجه هم هست
تمام منافع آنچه را که این کلبانی تا کتون برود
کلبانهای فرعی از این تنگیل داده تمام از همین
مدن فقط بوده است ولی از هیچک از آنها منافع

اینجا نامه آنچه که هست مال ملک است (صحیح است)
ملک هم بصدای بلند الهه دولت را تصدیق کرد (صحیح
است) البته دولت هم بهیچوجه حاضر نخواهد بود يك
چنین الهه را مسترد کند (صحیح است)

۲- چه شور لایحه تصحیح حساب مدیونین بانک
پولیس - بگفتند زیادی از آقایان بسز برای دوم
این مذاکره وقت خواستند ولی بنده گمان میکنم که
کارهای جاری ماهم در موقع و نوبه خودش باید رعایت
شود (صحیح است) و هفت تصدیق عمومی و تأیید
اجتماعی است (صحیح است) فرمایش صورت میکنم برای نمودن
احصائات و عقاید ایشان کافی باشد (صحیح است)
در جلسه قبل لایحه متعلق باینک ایران به شورامرو زحور
شد و مذاکره در کلیات بود مذاکره در کلیات است
آقای دروس

روحی - موافق
پولیس - آقای اورنگ

اورنگ - در موضوع لایحه بانک ایران که در جلسه
گذشته تئوران و مطرح بود چون نایبند از طرف دولت
در مجلس حاضر نبود اجمال و ابهامی که در لایحه ملاحظه
میشد منظور بود که آشکار بشود و از نایبند دولت سؤالی
بشود همین جهت لایحه از جلسه گذشته ماند برای این
جلسه برای اینکه آقایان استکلانی داشتند يك موضوع
استکل که پس از ختم جلسه در خارج تحقیق کردم اینطور
بود که حالا عرض میکنم آن موضوع این بود که بقیتم
باینکه بانک ایران طلب زیاد دارد از مردم لکن ب مردم
بده زیاد ندارد و مطلب دوم این است که بایفته شد علاوه
از اینکه بده زیاد ندارد مبلغ زیادی بیستان نموده هزار
تومان هم از بدهی خودش را ب مردم داده و مدعیان بقیتم
پس در همی در این لایحه بعد استنهایی که پس از ختم
جلسه باوزیری مالیه کردم معلوم شد که اولاً بانک بدهکاری
زیاد در مقابل طلبکاری زیاد ندارد یعنی طلب خیلی زیاد
دارد از مردم و بده خیلی خیلی کم دارد و مطالب دیگر
اینکه از بدهی خودش نسبت ب مردم تا بحال مقدار همد

جزارتومان داده و از این نموده هزار تومان تقریباً با
تحقیقاً مقدار پنجاه هزار تومان ب مردم منتبت داده به
طلبکارهای بانک. این دو مطلب حالا يك مسئله بود راجع
به وراثت آن سه مامدر که بنده ملاحظه کردم بدم که مامدوم
و سوم توضیح مامد اول است (دقتی) - دو مامد است (دو مامد و ش
توضیح مامد اول است بیعت اینکه در مامد اول میبویسد
الفرای که بدهکارند به بانک ایران این افراد با قرارداد
باینکه دارند راجع به متعلق بقراردادی ندارند اگر قرارداد
دارند موافق آن قرارداد تنزیل را بدهند تا تاریخ تعلیل
بنك و اگر قرارداد ندارند تنزیل را موافق مامد و ش باینک
بدهند تا تاریخ تعلیل باینک این مامد اول بود مامد دوم
توضیح مامد اول است باینکه راجع به مامد دوم توضیح
داده شده که مامد دوم لازم باشد اگر همین ممتی کافی
است گمان میکنم دیگر مامد دوم مامد اول بود

پولیس - آقای احتشام زاده موافقت
احتشام زاده - باطوری که نایبند محرم فرمودند مامد
اول ترتیب پرداخت رخ را نسبت باشخاص که با بانک
طرف معامله بوده اند تعیین کرده است امم از اینکه
قرارداد خاصی با بانک راجع ببرایجه داشته باشند یا اینکه
بر طبق معمول و عمل بانک با آنها رخ حساب شده باشد
مامد دوم مربوط است ببارفتی که با اشخاص میشود
برای اینکه خوش حساسی میکنند که می آیند بین خودشان
را با دویسی که قرارداد امه است میریزانند در این مامد
دوم ارفقی نسبت بآنها منظور شده است که دیگر علاوه
بر آن مقدار دویسی از شان مطالبه بقود. مطابق مقررات
عمومی هر کسی مدیون باشد و يك قرارداد خاص
راجع ببرایجه بین آنها حکمفرما باشد محاکم مکلف هستند
بر طبق ریح و قرارداد معمولی بین دو طرف متعاملین حکم
صادر کنند از مدتی که دین واقع شده است تا موقع
پرداخت ولی این مامد امه است يك ارفقی نسبت بدمیونین
بانك کرده است که اگر چنانچه بیابند بدهی خودشان
را مطابق مامد اول میریزانند و دیگر از مومقی که بانک

تعطیل شده است و بعضی آنها بمقامی میخواند گرفت و بیک
 از بومی به مدبرین بانك شده است كه سهیل شده بیایند
 دین خودشان را به بانك بپردازند تصور میکنم اگر چنانچه
 این ماده دوم را بر طبق نظر نمایند محرم حذف کنیم
 این ارفاقی را كه دولت در نظر گرفته نیست به مدبرین
 بانك از بین می رود بنده اطلاع دارم با توضیحی كه عرض كردم
 نمایند محرم موافقت خواهند فرموده كه بانك اعضا می توانند
 دین خودشان را باینكه بپردازند این ماده هم برای توضیح و ترغیب
 آنهاست بنابراین دینشان و بلك ارفاقی فوق العاده هم هست
 نسبت بآنها.

ولیس - آقای دهنی

دهنی - عرض کنم این لایحه در جلسه گذشته كه
 مطرح شد دو ایراد داشت بلك ارفاقی كه ما گرفتیم و
 در کلیات صحبت كردیم این بود كه بانك باید مصلحتوریکه
 طلبش را وصول میکند بده مردم را هم بپردازد. عرض
 كنم بطوریکه بنده درروز از آقای مشار الملک شنیدم بانك
 تقریباً چهل پنجصد هزار تومان بیشتر بده كار نیست آقای
 شیخ الملک هم ازینجا توضیح دادند و لکن این قسمت
 را باید آقای وزیر مالیه جواب بدهند. آقای وزیر مالیه
 خواهش دارم صحبت نکنند كه طلبكارهای بانك وضعتشان
 در چه حال است و بفصل جعفر بآنها داده است و جعفر
 دیگر بانك است آقای وزیر مالیه كه حالا محضت باید
 توضیح بدهند و یکی دیگر اسلأ بنده این لایحه مخالف
 فایده این لایحه چیست اسلأ شما لایحه آوردید و بده مجلس
 كه مجلس اجازه بدهد كه ارفاقی كنند با مدبرین ارفاقی
 كرن با مدبرین مستلزم آوردن لایحه به مجلس نیست
 بانك استقراضی بانك ایران اسلأ بلك مؤسسه خصوصی
 مستقل است با مردم معامله میکند این اسلأ لزوم به لایحه
 آوردن نیست. بانك میخواند ارفاقی بکند با میخواند
 بکند با قرار داد بنده لایحه آوردن برای چیست. برای
 اینکه مجلس قبلاً بلك قرار دادی را وضع نکرده است كه
 حالا برای ارفاقی اجازه در مجلس میخواند دین را این اسلأ

لایحه آوردن به مجلس بمقتضای بنده كار لغوی است.
ولیس - آقای روسی موافقت؟
روسی - عرض ندارم
ولیرمهاله (آقای نقی زاده) - اینكه فرموده این
 چرا به مجلس آوردند برای اینکه هم در قسمت ارفاقی
 هم در قسمت تكلیف فرغ هر دو لازم است به مجلس بیاید
 اگر محرم فرسخ كنند كه بانك حق داشته است و این
 قرارى كه با اشخاص دارد در مدت همین تمام را فرغ
 بگرد وقتى كه میخواهد تكلیف چون بانك حالا متعلق بكون
 است آنوقت مسئول میشود دولت كه چرا تكلیف این ارفاقی
 ببخشند كه از تاریخ تعطیل تا فلان موقع تكلیف این اجازه
 مجلس را لازم دارد. از آنطرف هم اینكه ملاحظه فرمودید
 اول تا آخر استند بود و حالا تا آخر نیز كند برای این
 بود كه ارفاقی بیشتری باشد ولی آسماهی هم كه قبل از مدت
 مقرر ندهند برای آنها هم مقرراتی باید رعایت بشود تا
 مردم بدانشند كه مسأله باید بیابند و دین خودشان را بدهند
 اما اینكه جعفر بانك مطالبات و فروش دارد بنده به حساب
 صحیح نمیتوانم بگویم بطوریکه خود آقای دهنی هم فرمودند
 از آقای مشار الملک شنیدم اند و ایشان برای این حسابها
 حاضر الذهن تر هستند ولى آنچه كه مسلم است این است
 كه بدهی بانك كثر است و لهذا ما این لایحه را آوردیم
 و بانك متولیات طلبش را وصول كند تمام فروش را
 بدهد ب مردم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

ولیس - آقایانیکه با ورود در شور در بواد این لایحه
 موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

ولیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود.
 ماده اول - مدبرین بانك ایران و قائم مقام آنها كه
 راجع بفرغ وجوه بدهی فرار دادی بانك استقراضی سابق
 داشته اند بمقتضای بانك ایران باید مطابق قرار داد مزبور
 مقرراً تا تاریخ تعطیل بانك استقراضی به بانك ایران بپردازند

مدبرین بانك ایران وقایع مقام آنها كه بانك استقراضی
 قرار داد مخصوصی راجع بفرغ بدهی داشته اند بمقتضای بانك باید
 فرغ مبلغ بدهی را بشرط و ترتیب معمول بانك استقراضی
 سابق تا تاریخ تعطیل بانك استقراضی بانك ایران تأدیبه
 نمایند.

ولیس - آقای طهرانی

طهرانی - عرض کنم در این ماده بطوری كه
 آقای وزیر عالی فرمودند منظور ارفاق است با مدبرین
 در قسمت اول میگوید اشخاصی كه با بانك قرار داد فرعی
 دارند در زمان تعطیل بانك بپردازند فرمودند منظور این است كه
 در مدت تعطیل از كسی فرغ مطالبه نکنند بنده تصور میکنم این
 كلیه اشخاص است كه قوی بلك مؤسسه بانكى كه متعلق مؤسسه
 تجاری است تعطیل شد و نتوانست مطالبات خودش را
 ادا بدهد با اشخاص حالت توقف پیدا میکند مؤسسه
 تعطیل میشود مؤسسه میباید در همان زمان مطابق مقررات
 بدلگتی نقضای توقف بکند و عكسه تشکیل بشود حالا
 بنده است متوسل اگر ندهم و خودش بخردی خود تعطیل
 كردم این قطعی حق نخواهد داشت كه فرعی مطالبه كند
 پس این ارفاقی ندهد و قسمت دیگر این است كه بنظر
 بنده در این ماده بلك تعطیل میشود قسمت اشخاصی
 است كه هیچگونه فرار دادی ندارند آنها را كه هیچگونه فرار داد
 فرعی ندارند خوب. اگر قوانین جاریه بدلگتی اجازه داده كند باید
 فرغ بپردازند و اگر اجازه نداد كه نهی بپردازند پس
 اینجا بلك تعطیل است. آنها هم كه فرغ ندادند اند
 آنها هم باید بپردازند آنچه را كه بنده در بازار اطلاع
 دارم محاسبات بانك با اشخاص خصوصاً با تجار دو قسم است
 يك قسم محاسبات نقدی است كه البته آنها در حسابات
 مواضع كه استقراضی كردم دوری میگردنند حسابش همین
 است كه با چه فرسخ بیاید بپردازند. بكي محاسبات جسسی

است. محاسبات جسسی را در این مهلت تنها بانك با
 اشخاص ندادت. خیلی از مؤسسات تجاری همین محاسبات
 را داشته اند از برای هیچكدام از آنها مسئله فرعی در
 كار نبوده اصل طلب خود شارما هم بزور كی وصول میکنند
 ولی اینجا در این ماده بانكها هم میخوانند تعطیل فرغ
 کنند. و بنده گمان میکنم این نظر نقیض نظر خود
 دولت است كه این لایحه را از برای ارفاق آورد و اگر به
 يك دسته بلك ارفاقی شده وضیعت طوری بود كه متجزأ
 می توانستند استفاده کنند. در زمان تعطیل چه حتی
 بانك باشند. خودش دائر نبودم كه مدبرین بیاید اداء
 دین خودش را بکند. البته بانك این حق را ندارد كه از باب
 آن زمان فرعی از كسی مطالبه كند ولی برعكس بر اشخاصی كه
 هیچگونه حقی از باب فرغ نداشته اند و به وجه قوانین جاریه
 محكوم بفرغ نخواهند شد در اینجا تعطیل فرغ میکنند
 بنده خواستم استدعا كنم كه در اینجا بلك نظر بفرمایند
 كه بان اشخاصی كه مطابق قوانین جاریه فرغ تلقی نمیگردد
 بلك تعطیل نشود

ولیرمهاله

عرض کنم در باب اینکه آدم بلك فرعی
 از بانك كرده و پس داده با این كه باید پس بدهد و فرعی
 را هم بدهد نه تنها هیچ ایرادی بر این لایحه نیست بلكه
 لایحه متضمن ارفاق زیادی است اگر كسی میخواست كه
 اینكار را سهل با سنگین تصور كند و میخواست طوری
 باشد كه اصلاً نكردن خوب بود اینطور آدم فرسخ كند و
 كاری كه خوب بلك وقتى بانكى بوده و بلك فرسخ داده
 حالا حق میگفته و بده كارش هم فرغ و استنطاقش
 فلان طور شده. و الا این كه بانك تعطیل نشود بانك
 چرا تعطیل شده توقف كه نكرده تعطیل نمیشد و نوشتن
 موجبات سیاسی دولت كه آقایان بداندند والا بعد از
 عرض شده و منتقل شد به دولت ایران پس توقف از برای
 اینکه دارالایش از قرضش كوتاه بود بلكه دارالایش
 خیلی بیش از قروضش بود و طلب زیادی از مردم داشته
 توقف این است كه بلك كسی برای كرتاری مالی بزرگ

در عدلیه و اظهار اقرار است. حالا در زمان تعطیل چه حق داشته بگردن زمان تعطیل یکی دوسال بیشتر بوده بعد از آن یک باز شد و اداره جانت و بانک ایران بنام طلب کارها گشت میسایید طلب مرا بدهید. اینجا برای آینده مدت ده دوازده سال بلکه برای تا آخر عمر تمام اینجاستی را که باید فرع بدهند ازروز تعطیل بانک تا این تاریخ مهلت میکنند. و البته این یک ارفاقی است. در آن تاریخ که استخفافه از بانک پول قرض میکردند خوب میدانستند که باید این قرض را پس بدهند و همان قرض بفریب جاری بانکی بوده در آخر شش ماه جمع میکند به حسابش. بمطابق همان ترتیب معمولی که همه بانکها دارند و همه جا معمول است. و حالا چه بدهند بیوچپ این قانون البته خیلی کمتر از آن خواهد بود که بمطابق ترتیب جاری خود بانکها است و مسلماً ارفاق هم در ضمن است از حیث تجاری. پس براین هیچ ایرادی نیست. اما راجع به محاسبات جنسی. اولاً باید که این غلبت راجع به نهدی است بلکه همه اش معاملات نقدی است اما اگر معاملات جنسی هم باشد که بنده نیدانم این لایحه اینطور است که تا فلان تاریخ باید چشش خیرش را بدهد و حق فرعی ندارد و اگر نداده و موقعش رسید و بانک مطالبه کرده معلوم است که در وقت بانک مقروض میباید. والا اگر بخواید بفرمایید که بانک حق ندارد از او قرض بگردد این رسم فرودم است. این است که بجهت ترتیب تجاری عدل میشود.

ولیس - آقای دشتی

دشتی - بنده در اینکه کم بدهد یا زیاد بدهد فرع را در این قسمت وارد بیعت نمیشوم و راجع باین حرفی نیز تم بدم عرض میکنم بانک استقراری یا بانک ایران یک مبالغه ای با مردم دارد بمطابق یک شرایطی با مردم معامله میکنند و میگوید فلان پول را فلان قدر قرض میکنم این ابتدا مربوط بیوچس نیست. بنده با وجود اینکه آقای وزیر عالی توضیحات دادند متقاعد ندم

که وزارت عالی برای چه لایحه میآورد مجلس. بانک یک و سه - منتقل است منتها عالی اش متعلق بدولت است. یعنی حال این بانک هر طور میخواهد با مردم معامله کند اعلان بدهد که آقایان بده کاران تا فلان وقت را که پولشان را آورده اند آوردند و الا من فلان قدر فرع میکیم یا فلان وقت فرع نیکمیزم. از فلان و فلان قدر فرع میکیم. این لایحه آوردن بیوچس صحبت کردن در اینجا لازم ندارد و بنده نمیتوانم برمی چسبم. این یکی. عرض کنم دیگر راجع باسکناس زمان قیوم روسها است این اسکناسها هم منافع مال روسها بود که در دست مردم بود و موافقی بود که مردم خیلی از این اسکناسها منتظر شدند. خوب حالا بانک استقراری حاضر است که این منافع را با بگیرد یا نه؟ برای اینکه حامی و اعتبار این اسکناسها بانک استقراری است. بنابر این حالا کم مردم بدهقان را به بانک استقراری میدهند بانک استقراری هم باید جواب اینها را بدهد و از مردم قبول کند. آیا فراین امر موافقت میکنند یا نه؟ این هم یکی. یکی دیگر راجع به بده کاران و طلب کاران بانک است. اگر بده کاران بانک استقراری داشته باشند از طرف طلب کارها آیا بانک ایران اینها را از آنها قبول میکند یا نه؟ یعنی یکی کسی بده کار است بیانک این شخص میروند اسناد طلب بانک را میفرود و می آید دعویش بده خودش بیانک میدهد آیا بانک این را عوض طلبش از او قبول میکند یا نه؟ **ولیرها علی** - در قسمت اول فرمایش آقای دشتی که فرمودند درست ننهدیم تا جواب عرض کنم. ولی بانک مطابق معمول باید تمام ایام تعطیل را قرض بخواید. حالا اجازه میخواهد که قرض آن مدت را گذشت کند اما راجع ببنات که مذاکره کردند نمیتوانم مناسبتی با این کار چیست. منافع تا حال یک کافه چایی بودم و شادتم هم دولت روس بودم نه بانک استقراری و استخفاف هم که به منافع قرض کرده بودند خیلی جا عاقل بوده چنان پنج قرانی گرفته بودند و یک قرانی برده اند (این

بیکر جدا ایلایش بود) ولی آنکه عاقل نبود اسناد و حالا یک بلایی مایه بر سرش. در دست سوم که فرمودید طلب بانک را در مقابل اسناد بدهی اش بدهد این را بنده جلال نیدانم چه عرض کنم ولی همه اینها اینجا نوشته شد است که اگر یک کسی بدهی دارد و در نقاش باید هر کسی بده دارد برود قراری بگذارد بنده امیدوارم کلی مردم میل بانک هم بر این است که استخفافه که حاضر شود بدهقان را بدهند حاضر است با آنها قراری بدهد و البته هر قدر که ممکن است سختگیری نخواهد شد و میخواهند تسویه شود ولی اگر کسی نخواهد و حاضر ندود تا آن روز آخر بقی اول تیرماه هم تأدیبه کند لابد یک جریمه در نتیجه بر آن تعلق میکیزد و آن دیگر البته قهر خودش است

جمی در نایبندگان - مذاکرات کافی است

ولیس - بیست و نهی آقای طهرانچی کرده اند قرالت می شود:

بیست و نهی آقای طهرانچی

بنده بیست و نهی میکنم در ماده اول از کله مدیونین الی آخر حذف شود

ولیس - ماده دوم قرالت میشود:

ماده دوم - هر یک از مدیونین بانک ایران و قائم مقام آنها که بدهی خود را بترتیب مذکور در ماده فوق نازل تیر ماه ۱۳۱۷ با بانک ایران تصفیه و تأدیبه نمایند. از تاریخ تعطیل بانک استقراری سابق تا زمان تأدیبه فرع دیگری از آنها مطالبه نخواهد شد.

هر یک از مدیونین بانک ایران و قائم مقام آنها که تا اول تیر ماه ۱۳۱۷ بدهی خود را اسماً و فرعاً بطوریکه در ماده فوق مقرر است بر دارند از تاریخ ایلایخ اظهارنامه و در صورت عدم ایلایخ از تاریخ اقامه دعوی در محاکم تعلیقه یا محاکمات عالی تا تاریخ حکم بفرع مقرر در قرارداد و اگر قرارداد خصوصی راجع بفرع بوده بفرع معمولی بانک محکوم خواهند شد.

تیسره ۱ - هر یک از بدهکاران بانک ایران که تا ده روز پس از ایلایخ حکم بدهی خود را اسماً و فرعاً بر دارند و با یا موافقت بانک قرار دادی راجع بپرداخت بنهند نمایند از تاریخ صدور حکم تا روز تأدیبه فرع (از قرارداد صدی ۱۲) بجهت کم به تعاقب خواهد کرد.

تیسره ۲ - مقصود از مدیونین مذکور در مواد فوق امی از شصت و شصت و شصت و سه و هر یک از امضا کنندگان دیگر اسناد بانک است.

ولیس - آقای دبی

طهرانچی - در این ماده فرق مابین مدیونینی که اظهارنامه آنها ایلایخ شده و مدیونینی که اظهارنامه آنها ایلایخ نشده کفایتشده در صورتیکه بنده در قسمت دوم که اظهار نامه ایلایخ نشود در مطابق قانون مرور زمان اگر دو سال مدت بگذرد در ظرف مدت ده سال هر کسی اظهارنامه فرستاد ادعای او قابل قبول است ولی اگر اظهار نامه نفرستاده است چه طرف دولت باشد چه غیر دولت باشد قانون مرور زمان شاملش است و بهینویسند بعد دعوی کند در این ماده تصریح شد که (از تاریخ ایلایخ اظهار نامه در صورت عدم ایلایخ از تاریخ اقامه دعوی در محاکم عدلیه یا محاکمات عالی) این است که بنده ایضا بنده این مسئله خلاف مرور زمان است و آقای وزیر عالی گفتیم مسئله مرور زمان در دعاوی دولت هم بایستی شامل باشد و تقاضای ندارد بنده قانونی عیوبت دارد و شامل است چه دولت باشد چه غیر دولت یکی هم اینجا نوشته میشود از تاریخ اقامه دعوی در محاکم عدلیه یا محاکمات عالی این ترتیب را بنده نیدانم برای چیست این از مسائلی است که دولت طرف است و باید در محاکم عدلیه مطابق قانون حکامات مطرح شود و مربوط بهوچا که عدلیه نیست علقش چیست که این فرجه را کرده اند این را هم خوب است توضیح بدهند. **ولیس** - آقای طهرانچی موافقت میکنند. **طهرانچی** - غیر

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - این قسمتی که نماینده محترم فرمودند راجع به مرور زمان در این ماده هیچ نظر نبرده است که تکلیف خاصی در مورد مرور زمان تعیین کنند و در اینجا هم مثل سایر موارد مشمول مقررات راجع به مرور زمان است اگر چنانچه بانک دعوی مال داشته باشد و تا قبل از حال اظهار نامه فرستاده باشد البته دعوی مشمول - مرور زمان است در این ماده تعیین تکلیفی برای مرور زمان نخواستند بکنند بلکه منحصراً خواسته اند تعیین تکلیف درج و منتفی را بکنند این است که در اینجا البته مطابق قانون اصول محاکمات اشخاصی که دین خودشان را پرداخته اند از تاریخ که اظهار نامه بر اینها داده شده است باز تاریخ که اقامه دعوی بر آنها شده است باینی خسارت تاخیر پرداخت را بدهند در اینجا هم همین مطلب را صریح میکند مثنی بجای اینکه خسارت تاخیر را مطابق مقررات عمومی بگویند باید مطالبه شود پیمان بجزای که بین بانک و اشخاص مقرر بوده است صد نه صد ده یا صد دوازده که کفر از میزان معمولی است همین کرده اند پس هیچ اشکالی ندارد مسئله مرور زمان و دعوی مربوطه بآن هم که تکلیفش در قوانین همین شده و اینصکه فرودید چرا نوشته اند محاکمات مالیه یا عدلیه البته این آئینیه مربوط بآئینیه نیست بلکه باینجهش مربوط بگذشته است قبل از تصویب قانون مربوط بدعوی دولت بر افراد که محاکمات مالیه را مرجع صلاحیت دار اینکار دانسته است قبل از این تاریخ بانک دو عدلیه اقامه دعوی کرده است بر اشخاص در اینجا خواسته اند تکلیف آن دعوی را که دو عدلیه اقامه شده است و هنوز تمام نشده است آنها را هم شامل کند که از تاریخ که اظهار نامه داده است و اگر اظهار نامه داده نشده از تاریخی که عرض حال یا بدلیه داده اند یا مطابق این قانون بجهت محاکمات مالیه باینی محسوم و برفع مقرر بشوند و مطابق این ماده رفتار شود

طهرانچی - این ماده هم يك قسمت مربوط باشد اول است عرابی که بنده عرض کردم آقای وزیر مالی فرمودند اگر کسی بخواهد بگوید خوب طلبی گفته شده است و نباید گفت بنده هیچوقت این نظر را نداشته ام و عرضی را هم نگردم عرض کردم اینجا ارفاق نیست زیرا آنچه که معمولاً تعطیل بوده کسی حق در یافت ندارد و آنهایی هم که قرار داد فرعی نداشته اند حکم نمیتواند مطابق قوانین جاریه فرعی حکم بدهد و فرعی حکم نخواهد داد و در اینجا این اجازه را میگیرند و این قانون باصلاح ارفاق که نیست اشاری هم هست عرض کنم قسمت این ماده با توجه به ماده اول اشخاصی که نپرداخته اند یعنی سابقاً تا اواخر آغوش که نپرداخته اند تا تیر ماه ۱۳۱۲ به حال دارند تا اواخر آغوش که نپرداخته اند تا تیر ماه ۱۳۱۲ به طور کلی اظهار اطلاع کنیم ولی اکثریت تصور میکنند تاوندیسیر دارند بر خضام خیل مایل باشند که قرض خودشان را بپردازند قادر نخواهند بود و ضمانت اقتصادی ملکت و بنگه دنیا با آنها چنین کابیشی را نمیدهد که بتوانند عمل کنند بیت خودشان را که در شش ماه بپردازند دین خودشان را بپردازند و اگر نپرداختند مشمول لافان مقررات شوند که همانطور که بنده عرض کردم مشمول ضمیقات میشوند تا ارفاق پس بدهی هر چه اگر ارفاقی هم در نظر گرفته شده هیچکس نمیتواند از این ارفاق یا این ماده استفاده کند زیرا که مدت کم است اگر مدت را زیاد تر میکردند باز میشد گفت بشا ارفاقی است ولی خیر اشخاصی که تا تیر ۱۳۱۲ نپرداخته اند اگر قرار داد فرعی دارند بپردازند و اگر نه مطابق معمول بانک فرج اندر فرج است و مطابق قوانین مالی که ابتدا محاکمات قرض ندارند چنین رالی را بدهند اندر فرج است و بانک فرج خیلی گران است قوانین جاریه ملکتی هم اجازه نمیدهد به آنها تحویل می شود چنانچه می شود یا همان نظر ارفاقی دولت پس اگر نظر ارفاقی است مواد را طوری بپوشند که حقیقتاً ارفاقی باشد و اینکه بر عکس یک اجتنابی بپوشد

رئیس - آقای غیر

عبدالمجیدی - عرض کنم بنده از دوستانم چون غیر بکریون مدعا دارم هتم یک توضیحی عرض کنم. محاسبات بانکه را با مردم دو کسببون که مطرح کردیم دو حال داشت فراموش نشود یک حال محاسباتی است که مردم تا قبل از تعطیل بانک با بانک داشته اند یک قراردادها داشته اند که بازر عمل میکنند این یک ترتیب بانک را ترتیب مال از وقتی است که کارخانه بدون کاران شده است توفیض بدون ایران شده است از این حال تعطیل برانسته شده است ایام تعطیل را که بکلی از فرج معاف کرده اند که ایامی که بانک تعطیل بوده و دوره قرضت بانک بوده فرعی مطالبه نمیکند آندم سر آن اشخاصی که فرار حادی یا بدون داشته اند ایام تعطیل هم فرج بدهند حالا آمده دولت ارفاقی با آنها میکند ارفاق دولت این است که اگر تا تیر ۱۳۱۲ آمد فرض را پرداخت دیگر اصلاً فرج ازش نمی گیرند (طهرانچی - نمیتواند بپردازد) خوب نمی تواند پس فرمایند اصلاً دولت نکند و الا اگر بنا شد دولت بگیرد (طهرانچی - مدت کم است) خوب نکن است شيطان فرماید مدت را بیشتر کند و دشو در دو کسببون دو نظر می گیریم شاید مدت را زیادتر کنیم و الا اگر مردم بخواهند دیشان را بپردازند هیچ ترتیبی بجز از این نمی شود.

جمعی از نمایندگان - کانی است ملکرات.

رئیس - آقایانیکه باورود در شوردهم این لایحه و وقت دارند قیام فرمایند (اگر بیشتر باشند) تصویب شد

۴۱ - تقدیم دو دفتر معرفه نامه بین دولتیان ایران و ترکیه از طرف آقای وزیر امور خارجه امیر خسرو میرزا پهلوی پهلوی پهلوی

رئیس - آقای وزیر امور خارجه فرمایشی دارید؟

وزیر امور خارجه (آقای فروغی) - خاطر آقایان محترم میبوی است که چند هفته قبل بنده بر حسب دعوی که از طرف دولت جمهوری ترکیه بعمل آمده بود مسافرت بترکیه کردم. هر چند این دعوی و این مسافرت بترکیه فرقی سیاسی هم باینست دانت باشد زیرا که بعد و باز دیدهای رجال مالک البته یک شایعی دارد ولیکن این دعوت فقط از روی احساسات دوستی و محبت و

بگناهی کرده و از برای اینکه منظور سیاسی خاصی نبود الا اینکه توجه شدید باینکه ما بین دولت ایران و دولت ترکیه چندین نقطه یک عهدنامه موجود بود که شامل مواد عهدنامه موت بود و هم شامل مواد عهدنامه آئینیه و بی طرفی و عدم تعرض و این عهدنامه مدت داشت و مدت آن متضنی شده بود و در صورتیکه ما بین دولتیان کمال محبت و محبتت و وفاد و بگناهی هست این عوالم بگناهی البته چیزی آن است که بود و نتوانستند استاد هم کتبت شود با بر این اینطور دولتیان متضنی دیدند که این کار را انجام دهند و دو عهدنامه تشکیل دادیم و امضا کردیم یک عهدنامه موت مثل همه عهدنامه های موجودی که دولتها با همدیگر دارند و دولت ایران هم با بسیاری از دول دارد که آن عهد بدست ندارد و البته باید امیدوار و آرزومند بود که هیچوقت عهدنامه موت شکسته نشود زیرا هیچ عهدنامه موتی جز اینچنین شکسته نمی شود (صحیح است) یک عهدنامه دیگر هم بستیم شامل مقرراتی راجع به بی طرفی و غیره و چنانچه عرض کردم خاطر آقایان مسروق است که عهدنامه که باقی بماند بجهت پنج سال بود و متضنی شده بود حال آن قسمت را یک عهدنامه علیحد کرده و تجدید کردیم باز مدت آن را پنج سال قرار دادیم و این دو عهدنامه را حالا تقدیم مجلس شورای ملی میکنم و تنسی می کنم فرمایند که این عهدنامه را در صورت تصویب شدن پس اول از اقتضای دوره خاصه بجهت اینکه آن عهدنامه مدتش متضنی شده و عهدنامه موتی رسماً نداریم اگر چه قبلاً و متناً کلاً با هم موثرت داریم اما آن عهدنامه چون مدتش متضنی شده پایشی تجدید شود در این قسمت تنسی دارد آقایان احتشام فرمایند که این دوره این دو عهد نامه تصویب شود. ضمناً کمال شرف و مسرت را دارد که در این موقع اقتضای فرست کرد از اینکه باستحضار خاطر نمایندگان محترم برسانم که در ترکیه از بنده و همراهان بنده که مدعو بودیم یک پذیرایی و یک مهمانی مشاهده شد که نفوق همه چیز حال بود که ممکن بود و مقرب باشیم از شخص اول ملکت شخص رئیس جمهور ملکت گرفت تاراجال ملکت و رئیس مجلس و رئیس الوزرا و وزراء و مردم و روزنامه

نگارها و ملت همه يك طوری احساسات موحدانه و برادری نسبت ببا نشان دادند که واقعا همه ماها هرقوت یاد میکنیم از آن پذیرا میا شد و سرور می شویم. چون بقرن دامنم که آقایان نمایندگان خوشوقت خواهند شد از اینکه مطلع باشند که ما این دولت دولت ایران و دولت و ملت ترکیه چه عالم صفا و محبتی است (صحیح است) این بود که عرض رساندم. همتقدیر بطور اجمال عرض میکنم که آنچه را بنده دیدم تصور نمیکنم امروز ما این هیچ دو دولتی آخورد عالم بکنگانی و برادری که امروز ما این ملتی و دولتین ایران و ترکیه هست برقرار باشد.

نمایندگان - صحیح است

۱- تصویب دو فقره مرخصی

رئیس - از طرف چند نفر از آقایان یاد آوری شده است به بنده که قبل از شروع بکار دیگری دو فقره مرخصی از کمیسیون عرایض و مرخصی بیرون آمده است قرائت کنیم (صحیح است)

خبر مرخصی آقای فروزی

نماینده محترم آقای فروزی از تاریخ پنجم آذرماه ۱۳۱۱ بواسطه گرفتارنهای عملی قضائی ۲۰ روز تمدید مرخصی نموده اند - کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینکه خبر آقا را تقدیم میدارم

رئیس - آقایان که با مرخصی آقای فروزی موافقت دارند

قبایل فرمایند

(اغلب بر خامنه اند)

رئیس - تصویب شد. خبر دیگر.

خبر مرخصی آقای میرزا محمد خان وکیل

نمایند محترم آقای میرزا محمد خان وکیل برای رسیدگی باور عملی از تاریخ هفدهم آذر ۱۳۱۱ قضائی چهار روز مرخصی نمود و دو عدد عشر از فروری اینده را هم اختصاص بسوخت

اصل اعتباری که در بودجه منظور است ۷۵۰۰۰۰ ریال

مابقی که اضافه می شود ۱۵۰۰۰۰ ریال

جمع ۹۰۰۰۰۰ ریال

مجموع این اعتبار تا آخر دوره عمل سال ۱۳۱۱ (آخر اشد ۱۳۱۲) قابل تهید و مصرف می باشد

رئیس - اشکالی نیست. موافقین ورقه سفید خواهند داد (باخذ آراء بعد آمده ۶۵ ورقه سفید نداد شد)

رئیس - عده حاضر در موقع اعلان رأی ۸۱ نفر به اکثریت ۶۵ رای تصویب شد *

۲- موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - اول از آقایان اعضای کمیسیون قرائت خواهم میکنم که در گذاردن عهدنامه عالی که امروز پیشنهاد شده است تسریع فرمایند و از آقایان اعضاء کمیسیون بوجه و فوائین مالمه نسی می شود که کار مالمه آنجا هست تسریع تمام کند و برای جلسه آینده مهیا نمایند و از بیرون آقای وزیر امور خارجه استفاده میکنم که خاطر ایشان را بخوشه می سازم و نسی

رئیس - عین ماده واحده قرائت میشود

ماده واحده - وزارت مالمه مجاز است ۱۵۰۰۰۰ ریال بر اعتباری که در بودجه هذاهلسه ملکتنی برای تکمیل بیزی منظور شده است بشرح ذیل اضافه نماید و اگر در نتیجه این افزایش در نوازته بودجه کسری حاصل شود کسر مذکور از صرفهجویهای بودجه ۱۳۱۰ ملکتنی تأمین نماید:

۱- اسامی رأی دهندگان - افغان - درانی - روس - بد عده تالی طایلیانی - دکتر طاهری - لاریجانی - ملک مدنی

احتمال زاده - تفت الاسلامی - انصاری - طایفان اعظم زنگه - قرا گرزلو - پوربهری - مسعود تائی - امیر دولتشاهی - میرزا آس

مطاش خان - میرزا اسد الله قلی - مفتی - حبیبی - ملک زاده آملی - طایفاتی دیا - وصاب زاده - مولوی - مصعب سنگ - محبت

عظیم - دستغابی - دکتر امیر اعلم - دادور - اورنگ - سهرابان ساکینان - مقدم - سعیدی - حسینی میرزا دولتشاهی - دکتر سینی

قوسی - منصفی - امیری - کاشانی - چاپچی - شریعت زاده - محمد ضیائی - فرشی - رشادتیان ایستانی - میرزا محمد طایفان تربیت

دکتر ملک زاده - میرزا محمد حسین نواب - دینانی - دکتر لنگان - دکتر احتشام - خواجری - حاج میرزا حسینخان قاضی - مهدوی

دکتر ضیائی - امیر - موبد احمدی - خیر فرزند - ابان - لیلوانی - جندی - امیر ابراهیمی - ایزدی - مزاد جریسی - اقبیس - محمد علی میرزا دولتشاهی - مرانی

۲- اسامی رأی دهندگان - افغان - درانی - روس - بد عده تالی طایلیانی - دکتر طاهری - لاریجانی - ملک مدنی

احتمال زاده - تفت الاسلامی - انصاری - طایفان اعظم زنگه - قرا گرزلو - پوربهری - مسعود تائی - امیر دولتشاهی - میرزا آس

مطاش خان - میرزا اسد الله قلی - مفتی - حبیبی - ملک زاده آملی - طایفاتی دیا - وصاب زاده - مولوی - مصعب سنگ - محبت

قانون

اعتبار اضافی برای تکمیل میز

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است مبلغ یکصد و پنجاه هزار ریال (۱۵۰۰۰۰) بر اعتباریکه در بودجه مذکوره سالکته برای تکمیل میز منظور شده است بشرح ذیل اضافه نماید و اگر در نتیجه این افزایش در موازنه بودجه کسری حاصل شود کسر مذکور از صرفه جوئیهای بودجه ۱۳۱۰ سالکته تأمین نماید.

اصل اعتباریکه در بودجه منظور است

مبلغی که اضافه می شود

۷۵۰۰۰۰۰ ریال

۱۵۰۰۰۰۰ ریال

جمع

مجموع این اعتبار تا آخر دوره عمل سال ۱۳۱۱ (آخر اسفند ۱۳۱۲) قابل تمدد و مصرف میباشد

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه پست و چهارم آذرماه یکهزار و سیصد و یازده شمسی بمصوب

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

مجلس شورای ملی رسید